کیهان

یادداشت روز

تکرار دو سال گذشته !

جریان اصلاح‌طلب و حامی دولـــت، چندماه مانده به انتخابات بهمن ماه، موج وســـیعی از هیاهوی رسانه‌ای و حزبی (محفلی) به راه انداخته و اینگونه وانمود می‌کند که مسئله اول کشور، انتخابات است و لاجرم، مرد اول این مسئله اول هم آنها هستند! جماعت مذکور هر روز با خبر دادن از آمدن و نیامدن این و آن و بافتن اوهامی از پیوســـتن فلان چهره اصولگرا و به اردوی اصلاح‌طلبان و وحدت و عدم وحدت رقیب و... ســـعی در داغ کردن موضوع انتخابات دارند! اگر به سیاق معمول، فعالیت حزبی در کار باشد و عده‌ای خود را برای انتخابات آماده کنند، موضوع اهمیتی ندارد، چرا که سالهاست به برکت جمهوری اسلامی، در این مملکت انتخابات برگزار می‌شود و عده‌ای می‌آیند خود را در معرض رای مردم قرار می‌دهند. این موضوع نه تازگی دارد و نه ذوق زدگی! کما اینکه بسیاری از دیکتاتورهای دیروز که امروز ژست اصلاح‌طلبی و دلسوزی برای مردم را می‌گیرند، در همین انتخابات‌ها شرکت کرده و با ادبار و اقبال مردم، مواجه شده‌اند. اما ظاهرا این هیاهو از آن جنس نیســـت و جماعت مذکور که بخش مهمی از آنها نشان داده‌اند برای مردم و نه برای رای و نظرآنها ارزشی قائل نیستند، بیشتر از آنکه در پی انتخاباتی پرشور باشند، در پی پنهان کردن موضوعی مهم و دادن نشانی غلط و پرت کردن حواس مردمند! البته در قدرت‌طلبی و ســـهم‌خواهی برخی از این جماعت نمی‌توان تردید به خود راه داد کما اینکه چند روز قبل یکی از تئوریسین‌های اصلاحات صراحتا از سهم خود و جریان اصلاحات در به قدرت رســـیدن دولت یازدهم سخن گفته بود و مدعی شده بود نباید سهم کسانی که در رای رئیس‌جمهور یازدهم نقش داشته‌اند، فراموش و حقشان نادیده گرفته شود!

اما اعضای این شرکت سهامی - که به واقع سهم خود را از کیسه مردم و بیت‌المال برمی‌دارند- در پی پنهان کردن چه چیزی از مردم هستند و قصد دارند حواس ما را از چه موضوع مهمی پرت کنند؟

۱- برخلاف هیاهوی رسانه‌ها و جریانات حامی دولت، دغدغه و خواست اصلی مـــردم، آمدن یا نیامدن فلان کاندیدا، ائتـــلاف این با آن، یا حتی پروژه‌های مضحکی همچون سهمیه‌بندی جنسیتی مجلس نیست! اینها دغدغه سهم‌خواهان و قدرت‌طلبان است. دغدغه مردم، اشتغال، معیشت، مسکن و اقتصاد است. دغدغه مردم حفظ عزت ملی و ارزش‌های انقلابی است. درست همان چیزهایی که قرار است ضعف در آنها بیش از همیشه و بیش از هر دولتی، در این دوره از نظر مردم دور بماند! با هر هیاهو و جنجال ممکن و با هر ســـناریوی ساختگی و غیرمهم! امروز برای مردم، این مهم اســـت که بالاخره وعده صد روزه به کجا کشید؟ چرا بسته‌های پی در پی اقتصادی پوچ از آب در می‌آید و کمترین تاثیری بر پیکر بیمار اقتصاد کشور ندارد!؟ آن همه نخبه‌ای که دولتمردان مدعی بهره‌مندی از اندیشه آنان در برنامه‌ریزی(!) اقتصادی بودند، کجا هستند که تاثیری از آنها دیده نمی‌شود؟

۲- نمونه‌های ضعف ساختاری و مبنایی دولت در حوزه اقتصاد، بیش از آن است که در قالب یک یادداشت بگنجد و صد البته چیزی نیست که مورد ادعای ما به تنهایی باشد. چند روز قبل یک نشریه آمریکایی - که قطعا وابسته به هیچ جریان تندروی داخلی نیست، از منابع خاص تغذیه نمی‌شود و قابل حواله دادن به جهنم نیست- با بررسی وعده‌های اقتصادی دولت در مقاطع مختلف و به ویژه در ایام تبلیغات انتخاباتی و مقایسه آن وعده‌ها با عملکرد دولتمردان، از رویگردانی رای دهندگان و در نتیجه سقوط میزان محبوبیت دولت خبر داده بود. ممکن است برخی مغالطه کنند که نباید با استناد به گزارش یک نشریه خارجی، عملکرد دولت را مورد ارزیابی قرار داد. فارغ از اینکه تخریب احتمالی دولت، توسط رسانه‌های غربی - که دولت یازدهم همه ســـعی بلیغ خود را به بدست آوردن دل آن اردوگاه معطوف کرده- دلیلی ندارد، نگاهی به آمار و ارقام منابع رســـمی و بین‌المللی هم موید این مدعاست. اما بررسی برخی نمونه‌های داخلی، نشان‌دهنده صحت ادعای آن نشریه و رویگردانی مردم از شعارها و وعده‌های دولت است.

۳- به عنوان یک نمونه ساده، در ابتدای دولت یازدهم، طرح ملی مسکن مهر - فارغ از برخی نقایص آن در حوزه اجرا- به بهانه اینکه باعث افزایش ۴۰ تا ۵۰ هزار میلیارد تومانی نقدینگی شده (اعداد مختلفی اعلام گردیده است) تعطیل شد و آرزوهای بسیاری در این باره به باد رفت. اوج هنرنمایی وزیر مسکن آنگاه بود که این طرح را مزخرف نامید و مدعی آماده‌سازی طرح مسکن اجتماعی به جای مسکن مهر شد! اما اکنون دو سال و چند ماه پس از آن ادعاها، مدیرعامل سازمان ملی زمین و مسکن آب پاکی را روی دست مردم ریخت و صراحتا اعلام کرد: « فعلا امیدی به اجرای طرح مسکن اجتماعی نیست» وی تنگنای مالی را علت این موضوع دانست و نگفـــت که چطور دولت می‌تواند منابع بانکی را برای فروش خودرو به کار بگیرد اما برای مسکن نمی‌تواند!؟

۴- ممکن اســـت عده‌ای اشـــکال کنند که دولت با این کار به کنترل نقدینگی پرداخته و در این بین خانه‌دار نشدن عده‌ای چندان مهم نیست! در نـــگاه این عده، رئیس‌جمهور فقط در هنـــگام حمایت از فتنه‌گران و اراذل و اوباش، مسئول اجرای قانون اساسی است و برای موضوعات مهم دیگر از جمله بندهای شانزده‌گانه اصل سوم- که مسکن و رفاه مردم هم یکی از آنهاست- هیچ تکلیفی ندارد و ظاهرا باید کسی از کره‌ای دیگر به عملیاتی کردن آن کمر همت ببندد! ضمن آنکه حتی با همان اســـتدلال غلط و فارغ از رسالت قانون اساسی، باید پرسید آیا با عدم تزریق پول به پروژه‌های مســـکن، نقدینگی افزایش نیافته است!؟ اگر آن زمان ۴۰ تا ۵۰ هزار میلیاردتومان نقدینگی اضافه شـــده بود، اکنون که حدود ۴۵۰ هزار میلیارد تومان به نقدینگی کشور افزوده شده است! آن هم بدون آن عمران و ســـازندگی! با این تفاوت جالب که آنها برای انتشار پول بدون پشتوانه و کاغذ بی‌ارزش مرثیه‌ســـرایی می‌کردند، امروز زبان در کام گرفته‌اند و سکوت پیشه کرده‌اند!

۵- اما به جز بحث مسکن و نقدینگی، بیکاری و رکود هم چیزی است که بی‌تردید حاصل بی‌برنامگی دولت یازدهم است و به جرات می‌توان گفت اوضاعی بدین شکل، بسیار کم‌سابقه و نگران‌کننده است و بحرانی بودن آن از نامه مشهور چهار وزیر کابینه معلوم شد. اکنون در سایه تدبیر دولت تدبیر، چرخ صنایع مهم بزرگ و کوچک متوقف شده یا به سختی و کندی می‌چرخد و در این بین، هیچ طرح روشنی برای احیاء صنعت و کشاورزی در دستور کار نیست و به نظر می‌رسد کارها به حال خود رها شده و روزمرگی گریبان دولتمردان را گرفته است. در این بین تدابیر مشعشعی همچون نابود کردن هزاران تن سیب زمینی به جای صادر کردن و یا توزیع ارزان آن در میان مستمندان، افزایش قیمت دلار، گسترش واردات و حتی تخصیص منابع ناچیز بانکی که قرار بود در قالب کارت ۱۰ میلیون تومانی صرف خرید محصولات ایرانی شود برای خرید کالاهای خارجی! و... را می‌توان به کارنامه دولت یازدهم افزود تا بیش از پیش به راز ادبار و بی‌اعتمادی روزافزون مردم به سیاست‌های اعلامی پی برد.

در اوضاعی تا بدین حد رها شـــده و نگران کننده، برخی دولتمردان، هنوز خود را در حال و هوای خرداد ۹۲ می‌بینند و می‌کوشند با شعارهای زیبا، کماکان مردم را سرگرم نگه دارند! غافل از اینکه دوصد گفته چون نیم کردار نیست! مثلا جناب نوبخت در سخنان جالبی وعده رشد پنج درصدی اقتصاد در ســـال ۹۵ را داده است! و البته توضیح نمی‌دهد کدام کیمیا یا اکسیر را بدست آورده که ظرف سه ماه آینده می‌تواند اقتصاد رکود زده کشور را به چنان رشدی برساند!؟ حتی به نظر می‌رسد به این موضوع هم فکر نمی‌کند که بالاخره سال ۹۵ هم می‌رسد و مردم خواهند پرسید پس رشد پنج درصدی اقتصاد چه شد!؟

اکنون و با این نوع قصد در ســـرگرم و پرت کردن حواس مردم است که می‌توان فهمید چرا رئیس‌جمهور در جلسه اخیر شورای اداری استان خراســـان رضوی، بخش مهم و اصلی سخنان خود را به انتخابات و دعوت همه چهره‌های علاقه‌مند به خدمت برای شرکت در انتخابات اختصاص داد و صرفنظر از اینکه اگر ایشان از چهره‌ها دعوت نکنند، آیا آنها نمی‌آیند، چرا درباره بیکاری ســـخت و فزاینده در آن اســـتان، درباره مســـکن و حاشیه‌نشینی‌ها، درباره بحران آب و .... حرفی به میان نیامد!

می‌توان به این شعارها ادامه داد، می‌توان انتخابات را سریال روزمره کشور کرد، می‌توان وعده‌ها را پشت گوش انداخت یا به شکل‌های عجیب و غریـــب مثل پر کردن دریاچه ارومیه با فاضلاب! (مصوبه هیئت دولت) دنبال کرد! می‌توان هر صبح و شام و حتی روزی سه وعده، شعار اقتصاد مقاومتی داد و در مدح منقبت آن کتاب‌ها نوشـــت و سمینارها برپا کرد و... ولی نمی‌توان با این کارها چراغ یک کارخانه را روشـــن کرد و برای یک بی‌پناه، ســـرپناه ساخت. و بالاخره در پایان باید پرسید فرض کنیم اصلاح‌طلبانی که بوق انتخابات را از هم اکنون در دســـت گرفته‌اند، در انتخابات برنده میدان بشـــوند و به همه آرزوهایشان دست یابند. خوب بعد چه!؟ قرار اســـت چه کاری بکنند!؟ همین کارهای دوسال اخیر را!؟ الان که هم قوه مجریه در دستتان است و هم قوه مقننه از هیچ همراهی دریغ ندارد، بنابر این فردا نیز چیز بیشـــتری در دست نخواهید داشت و لاجرم کارنامه‌ای متفاوت با امروز برایتان متصور نیست. پس با چه امیدی به هیاهوی انتخاباتی روی آورده‌اید؟ به نظر می‌رسد این جریان بیش از آنکه بحرانی به نام صندلی‌های قدرت داشته باشد، از بحران بی‌تدبیری رنج می‌برد و جامعه را هم به رنج انداخته است.

حسین شمسیان

گزارش اختصاصی کیهان

نیروهای وفادار به مردم و انقلاب با لیست واحد می‌آیند

سرویس سیاسی-

تلاش‌های پیدا و پنهان نیروهای ارزشـــی و انقلابی برای رسیدن به وحدت انتخاباتی به ثمر نشست و اخبار موثق رسیده به کیهان حاکی است این نیروها در نخستین و البته مهم‌ترین گام از همگرایی، به این نتیجه قطعی رسیدند که با لیست واحدی وارد گود رقابت شوند.

جریـــان مدعی اصلاحات با ارزیابی صحیحی که از موقعیت و جایگاه خود دارد، بـــه خوبی می‌داند تنها شـــانس آنهـــا برای موفقیت هرچند نسبی در انتخابـــات مجلس دهم، تفرقه در میان جبهه مقابل است. جبهه‌ای گسترده و دارای بدنه اجتماعی قوی در اقصی نقاط کشـــور که علی رغم اشتراکات فراوان، ســـلایق گوناگونی در آن وجود دارند و رقیب موفقیـــت خود را در فعال کردن این اختلافـــات تاکتیکی می‌داند. طرح موضوعاتی ماننـــد اصولگرایان معتدل و تندرو و صحبت از سرلیســـتی برخی نیروهای انقلابـــی برای اصلاح‌طلبان را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد. روی دیگر این ســـکه، ضعف ریشه‌ای و درد مزمن جریان مدعی اصلاحات است.

درد مزمن مدعیان اصلاحات

مدعیان اصلاحات به دلایل مختلف دســـت خود را در میـــدان رقابت خالی می‌بینند و اصلی‌ترین عامل این ضعف نیز آن است که نمی‌دانند که هستند و چه می‌خواهند. نقطه ضعفی اساســـی و ریشـــه‌ای که از آن می‌توان به عنوان «بحـــران هویت اصلاح‌طلبی» نام برد و خود نیز به آن واقف و معترفند.

رئیس مرکز مطالعات اســـتراتژیک در دولت اصلاحات در این زمینه معتقد اســـت همچنان یک گفتمـــان گیج و گنگ از اصلاح‌طلبی وجود دارد و با این حساب بهتر این است که اصلاح‌طلبان تا تکلیفشان را با خودشان و اصلاح‌طلبی معلوم نکرده‌انـــد وارد عرصه انتخابات مجلس نشوند.

چند روز پیش محمدرضا تاجیک مشـــاور خاتمی در دولت اصلاحات به روزنامه شرق گفت: هنوز هم‌پوشانی در تاکتیک و استراتژی راه و افق بطور دقیق مشخص نشده است. بنابراین نمی‌توانی پرچم اصلاح‌طلبی را به دوش بکشـــی، اما مســـیری متفاوت را بروی و کماکان اصلاح‌طلب باشی. علتش این است که ما منشور مشخص اصلاح‌طلبی نداریم. یک گفتمـــان تعریف و تحدید شـــده اصلاح‌طلبی نداریم. یک گفتمان گنگ و گیجـــی از اصلاح‌طلبی وجود دارد که این مفاهیم هم در نزد همه اصلاح‌طلبان یکســـان معنا پیدا نمی‌کند. ما با فقدان گفتمان و استراتژی و تاکتیک مناسب مواجه هستیم و فردای ما نوک دماغی است.

وی با اذعان به خالی بودن دســـت اصلاح‌طلبـــان ادامه می‌دهد: تصور من این است که در این جریان اصلاح‌طلبی ما ۷۲ ملت داریم. به لحاظ تشـــکیلاتی هم یک نوع تشکیلات ولنگاری بر فضای اصلاح‌طلبی حاکم اســـت و تشکیلات منســـجمی با کادر مشخص و قوه آمره و اتاق فکر مشخص و استراتژیست‌های مشخص که اســـتراتژی‌ها را در سطوح مختلف بـــه اجرا دربیاورند وجود ندارد. چه اتفاقی می‌افتد؟ در این شـــرایط در ساحت اصلاح‌طلبی یک مجمع‌الجزایر اصلاح‌طلبی داریم کـــه در این فضاها، هر کسی به نوعی تاکتیک خاصی اتخاذ می‌کند برای اینکه اهـــداف مرحله‌ای خود را پوشـــش دهـــد... در فقدان این مسئله، برخی از اصلاح‌طلبان تاکتیکی اتخاذ می‌کنند و اســـم آن را می‌گذارند تاکتیـــک عقلایی و می‌روند به ســـوی ریاست مجلس کنونی تا با او یک بلوک قدرت یا ائتلاف ایجاد کنند تا یک نوع تقســـیم قدرت در آینده ایجاد کنند. یا ســـراغ برخی شخصیت‌های اصولگرایی قبلی می‌روند تا با برجســـته کردن آنها و بر تخت‌نشاندن آنها و طواف دور آنها بتوانند به سهمی از کرسی‌های مجلس برسند. برخی هم به چهره‌های متفاوتی از اصلاح‌طلبی رجوع می‌کنند. برخی هم به چهره‌های آشنا و مقبول اصلاح‌طلبی که از گذشـــته مطـــرح بوده‌اند، رجوع می‌کنند. برخی از رهبری اصلاحات در لایه‌های زیرین عبور می‌کنند.

چنیـــن فضایی اســـت کـــه بعدها آشکارتر درباره آن صحبت خواهم کرد. این فضا به نظر من نشان‌دهنده شکلی از عدم بلوغ است.

محمدرضـــا تاجیک تصریح کرد: از نقطه نظر استراتژیک باید بگویم از نظر مـــن خیلی به نفع جنبش اصلاح‌طلبی خواهد بود؛ اگر اصلاح‌طلبان واقعاً برای مجلس آینده برنامه‌ای ندارند و برای این فکری نکرده‌اند که وقتی اکثریت مجلس را احیانـــاً گرفتند، چطـــور می‌خواهند فضایی متفـــاوت را خلق کنند، بهترین راه این اســـت که آن را واگذارند. چون در این صـــورت ضربه‌ای خواهند خورد که انعکاســـش را در انتخابات ریاســـت جمهوری خواهیم دید. اگر نشســـتیم و برنامه ریختیم که چه اتفاقی بیفتد؛ فبها! برویم وسط و فضا را فراهم کنیم. اما اگر فردایی که وارد مجلس شـــدیم هرکس در فضـــای منفعتی خـــودش حرکت کند، عده‌ای با کارت قدرت بازی کنند، عده‌ای صدایشان عوض شود یا از فضای اصلاح‌طلبی عدول کنند و گفتمانشان دچار سایش شود و عده زیادی به «دگر» هم تبدیل شوند و هم را خنثی کنند، این بسیار به ضرر اصلاح‌طلبی خواهد بود.

تاجیک همچنیـــن در گفت‌وگوی دیگری با روزنامه وقایع اتفاقیه تصریح می‌کنـــد برخی اصلاح‌طلبان پیشـــینهٔ سوسیال دموکراسی دارند، بعضی کاملاً چهـــره مذهبی دارنـــد، بعضی دیگر به ســـمت طیف سکولار کشیده شده‌اند و منش لیبرالی اتخاذ کرده‌اند.

البته این اعتراف تاجیک به ۷۲ ملت بودن جریان مدعی اصلاحات، یک درد مزمن اســـت که در بزنگاه‌های مختلف عود می‌کند. نمونه بارز این درد مزمن را می‌توان در فتنه ۸۸ پیدا کرد که مدعیان اصلاحات همراه با کاندید مغلوب مدعی تقلب در انتخابات شدند و کسانی زیر این چتر گرد آمدند که اساساً نه اعتقادی به نظام داشـــتند و نه یک بار پای صندوق رای رفتـــه بودند و ماحصل آن جریانی شـــد که از آن به عنوان «از ســـروش تا گوگوش» یاد می‌شود.

نقطه ثقل جبهه مقابل

در حالی که اصلاح طلبان از بحران هویت رنج می‌برند، یافتن محوری برای اتحاد در جبهه مقابل کاملاً مهیا بود. در جلسات مختلف میان سلایق گوناگون این جبهه حول دو محور اساسی اتفاق و وحدت نظر وجود داشت؛ وفاداری به ارزش‌هـــا و آرمان‌هـــای انقلاب و تعهد نســـبت به مشکلات مردم بخصوص در بعد معیشتی.

نیروهای وفادار به مردم و انقلاب در جلسات خود به این نتیجه رسیدند باید از نام‌ها و دوقطبی‌سازی‌هایی که عمدتا از ســـوی رقیب انجام می‌شـــود فاصله گرفـــت و اجازه نداد بـــا طرح دام‌هایی مانند اصولگرای معتدل و تندرو، در این جبهه شکاف و انشقاق ایجاد شود. طبق اخبار موثق رسیده به کیهان، در تازه‌ترین این جلســـات که نماینـــدگان اصلی و صاحب نام تمام سلایق اصولگرا در آن حاضر بودند، با آسیب شناسی روندهای پیشـــین این نتیجه قطعی حاصل شد که نیروهای متعهد و انقلابی با سلایق مختلف، با لیســـت واحـــد در انتخابات آتی شـــرکت خواهند کرد. بحث درباره مصادیق، شعار انتخاباتی و سایر جزئیات به جلسات بعدی موکول شده است و در آینده نزدیک جزئیات بیشتری از توافق صورت گرفته منتشر خواهد شد.

در حالـــی کـــه نیروهـــای انقلابی اصلی‌تریـــن گام خـــود بـــرای انتخابات پیش رو برداشته‌اند، باید منتظر ماند و دید حالا که تیر مدعیان اصلاحات برای ایجاد شـــکاف در جبهه رقیب به سنگ خورده است، از این پس چه رویکردی را در پیش خواهند گرفت. خود را به دولت می‌چسبانند و با پرچم اعتدال وارد میدان رقابت می‌شوند یا همچون لشکر شکست خورده تیری در تاریکـــی می‌اندازند و شـــورای نگهبان را مقصر ناکامی خود قلمـــداد می‌کنند. شـــاید همانطور که تاجیک گفت بهتر اســـت پیش از هر چیز تکلیفشـــان را با خود روشن کنند، با دشمن و فتنه گران مرزبندی روشن کرده و بگویند نســـبت آنها با مشکلات مـــردم، ارزش‌ها و آرمان‌های امام(ره) و انقلاب چیست و چه هدفی را از رسیدن به بهارستان تعقیب می‌کنند.

گفت و شنود

سپر

گفت: چی شده که این روزنامه‌های زنجیره‌ای هر روز یک مسئله بی‌اهمیت را با تیتر درشت در صفحه اول چاپ می‌کنند و درباره آن کلی تحلیل و تفسیر ارائه می‌دهند!؟

گفتم: نپرس چی شده؟... بگو چی نشده!

گفت: خب! چی نشده؟!

گفتم: آنهمه وعده که درباره عبور از رکود و مهار تورم و ایجاد اشتغال و تأمین مسکن و ارزانی اجناس و... داده بودند بر زمین مانده و انجام نشده.

گفت: یعنی با تیترهای درپیتی و کلیات ابوالبقاء می‌خواهند آدرس غلط بدهند و حواس مردم را از وعده‌های انجام نشده منحرف کنند؟! ولی مردم که حساب دستشان است.

گفتم: چه عرض کنم؟! آن قدیم ندیم‌ها، عده‌ای برای فتح یک قلعه رفته بودند و ساکنان قلعه به طرف آنها سنگ پرتاب می‌کردند. یکی از ســـنگ‌ها به سر یکی از مهاجمان خورد و طرف با عصبانیت فریاد زد؛ مرد حسابی! مگه سپر به این بزرگی را نمی‌بینی که سنگ را به کله‌ام می‌زنی؟!

جلیلی:

وحدت اصولگرایان حول شاخص‌هاست

نماینده مقام معظم رهبری در شـــورای عالی امنیت ملی گفت: وحدت اصولگرایان باید حول شاخص‌ها باشد نه قبیله‌ها چرا که اگر شاخص نباشد، دچار نوسانات می‌شویم.

به گـــزارش رجانیوز، ســـعید جلیلی نماینده مقام معظم رهبری در شـــورای عالی امنیت ملی در دیدار بـــا جمعی از دانشـــجویان دانشـــگاه علوم پزشـــکی بقیة الله گفت: بعضی از دوستان می‌پرسند چرا اصولگرایی وحدت ندارد؟ باید توجه داشت که اولین موضوع در جریانی که معتقد به نظام، انقلاب و ارزش‌هایش هســـت وحدت در نگاهش اســـت. منظور از وحدت گفتمانی همین اســـت. حالا یکی بگوید ما یک قبیله و حزب هستیم و همه با هم باشیم، هر کسی هم هر حرفی دارد بزند و به هر جهتی که می‌خواهد برود. اینها ایمان مردم را تقویـــت نمی‌کنـــد، چون پیش خودشان می‌گویند اینها سر قدرت با هم ائتلاف می‌کنند که نهایتا یک چیزی گیرشان بیاید.

وی افزود: در اینجا باید شاخص داشته باشیم. اگر شاخص نباشد، دچار این نوسانات می‌شویم.

جلیلی با اشاره به مبحث نفوذ تصریح کرد: نفوذ چیست؟ تردید در این ایمان و باور و ایجاد تزلزل در آن. رواج حرف‌هایی از این قبیل که اصلا رهایش کن! چرا این‌قدر هزینه دادیم؟ اصلا این غلط بود و مانند اینها.

وی ادامـــه داد: یکی از نفوذها همین اســـت که ابزاری نتوانسته مانع قدرتی که برای شـــما ایجاد شده اســـت شود و حالا یک دفعه ابزاری ســـاخته شود و همه از آن ابزار بترســـند. مثلا همین قضیه قطعنامه که دیدید گفتیم قطعنامه می‌آیـــد. حالا کـــه قطعنامه آمد پس هیچـــی! با ابـــزار و حربه‌ای شـــما را می‌ترسانم و می‌گویم این میکروفون دیگر مال تو نیســـت و مال من اســـت. مثلا یکی چاقویی دســـتش گرفته اســـت و تهدید می‌کند که می‌خواهیم میکروفون را ببریـــم، ما هم میکروفون را رها می‌کنیم و می‌گوییـــم خطرناک است بگذار ببرد.

جلیلی با تاکید بر اینکه دعوا بر سر چند سانتریفیوژ نیست، گفت: نفوذ برای این است که بیاید و آن مؤلفه قدرتتان را خالی کند. مثلا وقتی می‌گویید با تانکم توانستم در برابر او بایستم، او بیاید و تانکتان را خراب کند. اگر ببیند قدرت شما منوط به تفنگتان هست، می‌آید و او را برمی‌دارد، حالا شما خلع سلاح شده‌اید و کاری نمی‌توانید بکنید. با چه قدرتی توانستید این موفقیت را رقـــم بزنید؟ خودشـــان اذعان می‌کنند. این حرف ما نیست، آنها ادعـــا می‌کنند ما هر کاری کردیم نشد. بارها به مصادیقش هم اشاره کردند و تأکید می‌کنند نه تنها مانع آنها نشـــدیم، بلکه آنها موفق‌تر و قوی‌تر هم شدند. پس حتما عاملی هست. قضیه سر چند سانتریفیوژ که نبود. خودش می‌گوید شما که این تعداد ســـانتریفیوژ دارید من هم ۵ هزار کلاهک هسته‌ای دارم. چند ســـانتریفیوژ بماهـــو نگرانی ایجاد نمی‌کند. مقام معظم رهبری در فرمایش‌هایشان مجددا به نفوذ تأکید کردند به همین دلیل است. نفوذ یعنی به منبع قدرت شـــما چیـــزی رخنه و آن را ســـوراخ و خالی کند. اگر نفوذ صورت بگیرد دیگر نمی‌توانید این موفقیت‌ها را رقم بزنید.

موجودی و موجودیتی باقی نمانده اصلاح‌طلبان خود را تکرار می‌کنند

یک همکار سابق نشریات اصلاح‌طلب معتقد است مدعیان اصلاح‌طلبی «موجودی»یی ندارند که بتوانند براساس آن «موجودیت» خود را تعریف کنند.

داریوش سجادی در یادداشتی خاطر نشان کرد: مصاحبه مطوّل محمدرضا تاجیک با روزنامه اعتماد که همچون سعید حجاریان اشتهار به استراتژیست اصلاح‌طلبان دارد هر چند واجد جهد بلیغ ایشـــان به منظور تبارشناســـی و آفت‌شناســـی و راهکاریابی برای ابتلائات جنبش اصلاحات در ایران بود، اما بدون مجامله در کلیتاش عاری از هر حرفی نو و بدیع بود و ایشـــان صرفا همان چیزهایی را که سال گذشته تحت عنوان «نواصلاح‌طلبی» مطرح کرده بودند را بار دیگر در مصاحبه با اعتماد تکرار کردند.

ظاهرا «تکرار در خود» مبدل به سنت مالوف استراتژیست‌های اصلاحات شده و دقیقا حجاریان نیز مانند تاجیک هر ۶ ماه یا یک سال همان حرف‌ها و راهکارهای پیشـــین و بلاوجه خود را تکرار می‌کند بدون آنکه آبی از این آتش برای اصلاحات داغ شود.

ســـجادی می‌افزایـــد: معتقدم علـــت «دور در جا» و «تکـــرار در خود» اصلاح‌طلبان بازگشت به همین اصل دارد که «اصلاح‌طلبان به خوبی می‌دانند چـــه نمی‌خواهند اما دریابش آنچه که می‌خواهند عاجزند» چنین عجزی نیز بازگشت به این ضایعه می‌تواند داشته باشد که ایشان نمی‌توانند و نتوانسته اند خود را تعریف کنند. تاجیک در اعتماد گفته: «چیزی که ما خلأ آن را داریم اینکه مانیفست یا گفتمان اصلاح‌طلبی تعریف شده نیست؛ چیزی که خیلی ابهام و ایهام دارد و تعریف و تصویب نشـــده است. ما از گفتمان اصلاح‌طلبی سخن می‌گوییم اما هر کدام از مفاهیم آن برداشتی داریم. مفهوم اصلاحات با هم یگانه نشده» این اعتراف میمون همان چیزی است که اینجانب نیز به نوعی آن را یک ماه جلوتر در مصاحبه با «تسنیم» ابرام کردم دال بر آنکه؛ «اصلاح‌طلبی موجود در صحنه آنی نیست که زمانی با مختصات انقلاب اسلامی و امام و نظام هم‌پوشـــانی داشت. اینکه چی هستند؟ من نمی‌دانم اما می‌دانم چی نیستند! لذا بر ایشان فرض است تا قبل از آنکه دیگران تعریف‌شان کنند، خودشان و از منظری واقع‌بینانه خود را و نسبت‌شان یا عدم نسبت‌شان با انقلاب اسلامی و مولود انقلاب اســـلامی و مختصات و متعلقات و ملحقات انقلاب اسلامی و نظام برآمده از انقلاب اســـلامی را تعریف کنند». اما نکته مغفول آنجاست که اصلاح‌طلبـــان بی‌التفات به این ضرورت مانده‌اند که در تعریف خود مکلف‌اند قبل از تعریف «موجودیت خود» ابتدا «موجودی‌های خود» را تعریف کنند.

غرب در سوریه مجبور است داروی تلخ را بخورد

ماندن بشار اسد در ریاست جمهوری سوریه داروی تلخی است که غرب مجبور به خوردن آن است.

عبدالباری عطوان سردبیر روزنامه رأی‌الیوم در تحلیلی نوشت: خبر روزنامه دیلـــی تلگراف که تنها گزینه موجود برای از بین بردن داعش را همکاری با رئیس جمهور سوریه دانسته و حملات هوایی روسیه علیه داعش را موفق‌تر از حمـــلات نیروهای ائتلاف توصیف کرده، مقدمه نوشـــیدن داروی تلخی دانســـت که سران کشـــورهای غربی و عربی چاره‌ای جز آن ندارند. دیدگاه این روزنامه انگلیســـی که همزمان با اظهارات بی‌سابقه جان کری وزیر امور خارجه آمریکا در مورد امکان همکاری با ارتش سوریه بدون رفتن اسد ایراد شده، تصادفی نیست و مقالات جسورانه زیادی در مورد اینکه روس‌ها حق داشتند در بحران سوریه حضور داشته باشند، به چشم می‌خورد. این روزها در رســـانه‌های غربی عبارات آشنایی را از زبان سرگئی‌لاوروف وزیر خارجه روسیه می‌خوانیم، از جمله این که «تحمل وجود بشار اسد در سوریه برای دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلیس و رهبران غرب مانند بلعیدن یک داروی تلخ است که گریزی از آن نیست».

به گزارش العالم عطوان می‌افزاید: وزیر امور خارجه آمریکا کم‌کم خود را برای بلعیدن این داروی تلخ و خوراندن آن به دیگر سران غربی و عربی آماده می‌کند و این امر به وضوح در اظهارات وی در حاشـــیه ســـفر به یونان دیده می‌شـــود، آنجا که کری اعتراف کرد برای مقابله با داعش اســـتقرار نیروهای زمینی سوری و عربی در سوریه ضروری است و نه نیروهای غربی؛ زیرا نابود کردن داعش تنها با بمباران هوایی امکان پذیر نیست.

جنایت سران فتنه مشمول مرور زمان نمی‌شود

رهبر معظم انقلاب، تکلیف ســـران فتنه را ضمن بیانات متعدد روشـــن کرده‌اند و جرم و جنایت و جفای آنها در حق کشور و نظام و انقلاب مشمول مرور زمان نمی‌شود.

خبر ویژه

سیدمحمود دعایی مدیرمسئول روزنامه اطلاعات اخیرا ضمن ترویج یکی از سران فتنه مدعی شد «در روزی که عزیزی از اعضای دفتر مقام معظم رهبری وفا داریم را به خاتمی و نقل ســـخن‌ها و اظهارات او را در روزنامه برنتافت و از منظر رهبری اعتراضی داشت نامه‌ای خصوصی به محضر رهبر و مرادم نوشتم در آن نامه همه عشق و عاطفه و امید و انتظارم در مورد خاتمی را با آقا در میان گذاشتم و این انگیزه وفا داریم به خاتمی و استجازه در ادامه همراهیم با وی را بیان کردم. مراد و ولی‌امرم بعد از خواندن آن نامه کریمانه و بزرگوارانه فرمودند «من هم مثل تو فکر می‌کنم اما نه به نرمی دل تو!» اشک شوق و امیدم جاری شد و از آن روز به بعد کاکایم را غریب نگذاشتم.

آقـــای دعایی البته انصاف به خرج نداده که بنویســـد در فتنه آمریکایی - صهیونیستی سال ۸۸، غریب، امثال سران فتنه بودند یا نظام جمهوری اسلامی و ارزشهای الهی آن که آماج وحشی‌گری آشوبگران به میدان فراخوانده شده از سوی فتنه‌گران قرار گرفتند؟!

اما درباره موضع رهبر معظم انقلاب شایان ذکر است که معظم‌له بالغ بر یک سال صبوری به خرج دادند و با حلم تمام سران فتنه را به عنوان همراهان سابق انقلاب دعوت کردند تا به مجاری قانونی برگردند و حساب خود را از جریان‌های ضدانقلاب و دولت‌های مستکبرغربی که علنا از فتنه و آشوب حمایت می‌کنند، جدا سازند. اما وقتی لجاجت و اصرار این جماعت بر ادامه خط کور یاغی‌گری و بغی و معارضه یقینی شد، فرمودند «جرم اینها بزرگ است و اگر امام(ره) بودند، شـــدیدتر برخورد می‌کردند. اگر اینها محاکمه شوند، حکمشان خیلی سنگین خواهد بود و قطعا شما (یکی از بازی‌خوردگان فتنه) راضی نخواهید بود».

ایشان همچنین رمضان سال ۱۳۹۲ در دیدار دانشجویان فرمودند: «مسئله اصلی را در مورد قضایای ســـال ۸۸ مورد نظر و در مدّ نگاهتان قرار دهید؛ آن مسئله اصلی این است که یک جماعتی در مقابل جریان قانونی کشور، به شکل غیرقانونی و به شکل غیرنجیبانه ایستادگی کردند و به کشور لطمه و ضربه وارد کردند؛ این را چرا فراموش می‌کنید؟ البته ممکن اســـت در گوشه و کنار یک حادثـــه بزرگ زد و خوردهائی انجام بگیرد که انســـان نتواند ظالم را از مظلوم تشـــخیص دهد؛ یا یک نفر در موردی ظالم، در موردی مظلوم باشد؛ این کاملا امکان‌پذیر است؛ اما در این قضایا، مسئله اصلی گم نشود. خب، در انتخابات سال ۸۸، آن کسانی که فکر می‌کردند در انتخابات تقلب شده، چرا برای مواجهه با تقلب، اردوکشی خیابانی کردند؟ چرا این را جواب نمی‌دهند؟ صد بار ما سوال کردیم؛ نه در مجامع عمومی، نخیر، به شـــکلی که قابل جواب دادن بوده؛ اما جواب ندارند. خب، چرا عذرخواهی نمی‌کنند؟ در جلسات خصوصی می‌گویند ما اعتراف می‌کنیم که تقلب اتفاق نیفتاده بود. خب، اگر تقلب اتفاق نیفتاده بود، چرا کشور را دچار این ضایعات کردید؟ چرا برای کشور هزینه درست کردید؟ اگر خدای متعال به این ملت کمک نمی‌کرد، گروه‌های مردم به جان هم می‌افتادند، می‌دانید چه اتفاقی می‌افتاد؟ می‌بینید امروز در کشورهای منطقه، آنجاهائی که گروه‌های مردم مقابل هم قرار می‌گیرند، چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ کشور را لب یک چنین پرتگاهی بردند؛ خداوند نگذاشت، ملت هم بصیرت به خرج دادند».

یادآور می‌شود خاتمی چندین‌بار در محافل خصوصی اصلاح‌طلبان اذعان کـــرده که امکان تقلب ۱۱ میلیونـــی در انتخابات وجود ندارد. اما این حریت و شجاعت را نداشته که همین واقعیت را علنی بگوید و بر علیه مسیر یاغی‌گری طی شـــده از ســـوی خود و برخی فتنه‌گران شهادت دهد؛ چرا که اساسا او در میان افراطیون اختیاردار خود نیست؛ چنان که در همان روز انتخابات و انداختن رأی به صندوق مدعی شده بود غیب‌گو نیست اما موسوی پیروز شده است(!)

رهبر معظم انقلاب به اقتضای عقل و شرع معتقدند راه پیش‌روی فتنه‌گران به مصداق آیه «الا الذین تابوا و اصلحوا و بینّوا»، توبه و جبران جرم صورت گرفته و روشنگری درباره آن دروغ و ظلم بزرگ است.

پروژه مشترک کرباسچی و مرعشی برای بی‌اعتبار کردن لاریجانی

در حالـــی که دبیر کل حزب کارگزاران مدعی ســـربازگیری از اصولگرایان شـــده بود، ســـخنگوی این حزب گفت حمایت ما از آقـــای لاریجانی، موضوع مصوب حزب است.

ایـــن موضع‌گیری‌های آمیخته به بلوف و اغراق که یکی از اهداف آن بردن افراد هدف در موضع اتهام می‌باشـــد، در حالی است که کارگزاران در انتخابات ۸۸ دو شـــقه شـــد و دبیر کل آن از کروبی و برخی اعضای دیگر آن از موسوی حمایت کردند. سال گذشته نیز در پی افزوده شدن برخی عناصر بدسابقه نظیر ســـعید لیلاز و محمد قوچانی و... به مرکزیت حزب، محمد هاشـــمی رئیس کمیته سیاســـی کارگزاران درباره تکرار سرنوشت شوم حزب مشارکت برای این حزب هشدار داد و در اعتراض به این روند از عضویت حزب استعفا کرد. وی تصریح کرده بود که من مقلد امام و معتقد به مکتب اســـلام هســـتم در حالی که برخی اعضای کارگزاران می‌گویند این حزب، حزب لیبرال اســـت و قرار است راه بازرگان را دنبال کند.

با وجود این واقعیت، حسین مرعشی در مصاحبه با روزنامه اعتماد گفت: مـــا در مورد آقای لاریجانی در حزب بحث کردیم، به نتیجه هم رســـیدیم و موضع ما یکی است. حمایت از آقای لاریجانی موضوع مصوب حزب ماست. این عنصر سیاست‌باز اضافه می‌کند: حمایت ما به معنی اینکه با ایشان ائتلاف کنیم، نیست. ما می‌توانیم نسبت به جناح رقیب هم متفاوت فکر کنیم. ایشان در جناح رقیب است اما می‌توانیم نسبت به افکارش متفاوت فکر کنیم. حتماً ما موضعی که درباره آقای لاریجانی به عنوان یک شـــخصیت ملی، اثرگذار و مفید برای کشـــور می‌گیریم با موضعی که در برابر فردی مانند آقای روح‌الله حسینیان می‌گیریم، متفاوت است. جریان رقیب ما، یک جریان و یک طیف هستند. آنها را مانند یک سطح مقطع متصلب و خشک نمی‌بینیم. این جریان یک ســـطح مقطع خاصی هم ندارند. مـــا در انتخابات حتماً در مقابل جبهه پایداری از اصولگرایان میانه‌رو حمایت می‌کنیم اما مفهومش این نیست که با آنها رقابت نکنیم. آقای لاریجانی رقیب خوب تلقی می‌شود.

خبرنگار می‌پرسد «اگر آقای لاریجانی رقیب خوبی به شمار می‌آید چرا گفتید ما در قم ممکن اســـت برای ایشان رقیب نتراشیم؟» و مرعشی پاسخ می‌دهد: این به خاطر خدمتی بود که ایشـــان در بحث برجام کردند. موضوع برجام موضوع ملی است و موضوع جناحی نبود.

وی همچنین در پاســـخ این ســـؤال که نگاه آقای لاریجانی هم به طیف اصلاح‌طلبان همین است؟ می‌گوید: حتماً، ممکن است این نگاه الان نباشد ولی رفتار ما اثر خودش را می‌گذارد. ما به این نوع نگاه‌ها و رفتارها در میدان عملی سیاست می‌گوییم عمق بخشیدن به سیاست و فاصله گرفتن از مسائل سطحی.

بازداشتی فتنه ۸۸ در ادامه درباره اظهارات عطریانفر مبنی بر اینکه رئیس مجلس آینده افرادی مانند ناطق باشـــند بهتر است، گفت: آقای ناطق اصلاً ثبت‌نام نمی‌کنند. ما پیام‌مان این بود. من در مصاحبه‌هایم با صراحت گفتم مهم‌تر از کاندیداتوری آقای ناطق در مجلس برگشـــت آقای ناطق به عرصه سیاسی است. در طول سال‌های گذشته به تدریج یک اتفاق نامبارکی در کشور افتاد و آن اینکه اصولگرایان اصلی شناسنامه‌دار جاخالی دادند.

یادآور می‌شود کرباسچی ۷ آذر در مصاحبه با روزنامه شرق گفته بود باید از اصولگرایان یارگیری و سربازگیری کنیم.

از نبوغ سیاسی پوتین تا غرور موهوم محمد مرسی

سفر اخیر ولادیمیر پوتین به ایران و اصرارش بر دیدار بیرون از پروتکل با آیت‌الله خامنه‌ای مؤید تیزهوشی و آداب‌دانی و آشنائی وی با ظرائف دنیای سیاست است.

داریوش سجادی ضمن ارائه این تحلیل نوشت: در مقام قرینه، عملکرد پوتین را می‌تـــوان در نقطه مقابل رفتار احمقانه و خالی از حذق «محمد مرســـی» رئیس جمهور برآمده از انقلاب مصریان قرار داد که طی سفرش به ایران در تابســـتان ۹۱ به‌منظور شرکت در اجلاس غیر متعهدها در یک گســـتاخی با تعمدش در کوتاه کردن اقامتش در ایران (اقامت ۴ ساعته) و فرارش از دیدار با رهبر ایران نشان داد از حداقل‌های تدبیر و درک و شعور سیاســـی نیز بی‌بهره بود. این در حالی است که به احترام حمایت ایران از انقلاب مصر و به اعتبار خطبه مهم و اثرگذار نماز جمعه آیت‌الله خامنه‌ای در اعـــلام حمایت از «انقلاب تحریر مصریان» در تیر ماه ۹۱ ابتدائی‌ترین ملاحظات دیپلماتیک نیز به مرســـی دیکته می‌کرد تا در مقام پاسداشت چنان حمایتی ملتزمانه به «ملاقات موظفانه» با رهبر ایران برود. خصوصاً آنکه بی‌تدبیری و بی‌حذقی مرســـی اکنون بوضوح و آنگاه روشـــن شد که بی‌وقعی وی به ایران را اینک در کنج زندان و در روزشماری تاریخ اعدامش سپری می‌کند(!) در حالی که می‌بیند اگر نامدبرانه حمایت ایران را به طمع دلارهای عربســـتان و مواعید آنکارا نمی‌فروخت اکنون مانند «بشار اسد» می‌توانست محکم و استوار بر کرسی قدرت اتکا داشته باشد. آن هم اسدی که همه قدرت‌های مؤثر دنیا حکم به رفتنش داده بودند. اما ایران تنهایش نگذاشـــت و بالغ بر ۵ سال تمام قد حمایت خود را متوجه اسدی کرد که در محاصره فتنه سنگین و مشترک ریاض و قطر و ترکیه و آمریکا و اروپا و اســـرائیل محکوم به هلاکتی محتوم بود اما با نوشداروی ایران روئین‌تن شـــد. تفاوت پوتین تا مرسی تفاوت شعور تا غرور است! آن هم غروری که آغشته به حماقت و توهم باشد.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
۳۳۹۱۶۵۴۶ تمام ساعات شبانه‌روز
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* وزیر خارجه آمریکا هر هفته علیه ایران یاوه‌گویی می‌کند و تهمت‌هایی را به ایران نسبت می‌دهد ولی مسئولان کشورمان هیچ‌کدام جواب این اراجیف را نمی‌دهند. چرا؟

۰۹۱۲---۵۵۸۷

* روزنامه‌های زنجیره‌ای درحالی با تصویر و تیتر بزرگ به اســـتقبال «فرزند یادگارامام» رفته‌اند که چند سال قبل گستاخانه می‌گفتند امام‌خمینی(ره)، را دیگر باید در موزه‌های تاریخ جست! چه خوب است که حاج سیدحسن آقا نصایح پدر مرحوم و حضرت امام راحل عظیم‌الشأن(ره) را فراموش نکند و در گرداب بازی‌های سیاسی این فتنه‌انگیزان قرار نگیرد.

محمدرضا فخرالساعه- جانباز

* آقـــای انصاری مطلب کاملاً صحیحـــی گفته‌اند که حضرت آقا از اهانت به ارکان نظام نگران هستند. حضرت آقا از موضع‌گیری‌هایی که مایه خوشحالی دشمنان قسم خورده نظام می‌شود هم نگران می‌شوند. آقای انصاری! دو صد گفته چو نیم کردار نیست!

نیکنام- طلبه قم

* آقای رئیس‌جمهور به عنوان اولین مقام اجرایی کشور وظیفه دارند دانشجویان کشـــور را در مراسم‌های دانشـــجویی که دعوت می‌شوند به سوی تهذیب و علم ســـوق بدهند. مسائل حاشیه‌ای و جناحی برای قشر تحصیل‌کرده کشور پیشرفت و تعالی نمی‌شود.

۰۹۳۸---۳۴۵۴

* مردم برای تقدیر و تشکر کسی در حماسه بی‌نظیر اربعین حسینی حضور پیدا نکردند. تقدیر و تشـــکر مسئولین، از مردم وقتی انجام شده است که به وضعیت بد اقتصادی و بی‌سابقه‌ترین رکود بعد از انقلاب رسیدگی کنند.

۰۹۱۳---۲۶۲۸

* آیا امکان دارد که دکتر ظریف در پاسخ کری وزیر خارجه شیطان بزرگ که ایران را به نقض حقوق زنان و اقلیت‌های دینی و زندانی کردن خبرنگاران متهم می‌کند، پشت تریبون قرار گرفته و با صدای رسا اعلام کند که این اتهامات به آمریکا بیشتر می‌چسبد تا به جمهوری اسلامی ایران و بگوید خوب است آمریکا حقوق سیاهپوســـتان را رعایت کند و از کمک به گروهک‌های تروریستی که در اقصی نقاط جهان به قتل، غارت، تجاوز و وحشی‌گری و... مشغولند دست بکشـــد... ولی وقتی به کارنامه این دو سه ساله توجه می‌کنم می‌بینم چنین کاری از این دولت برنمی‌آید!

۰۹۱۲---۳۱۰۴

* چرا از سوی آقای رئیس‌جمهور درخصوص ضرب و شتم دانشجویان بسیجی در دانشگاه اهواز صدای اعتراض بلند نشد. چرا ایشان این اقدام وحشیانه را محکوم نکردند.

۰۹۱۲---۷۹۷۷

* آمریکایی‌هـــا همه چیز را وارونه جلوه می‌دهند و ســـازمان‌های بین‌المللی طوطی‌وار از اقدام آنها حمایت می‌کنند آیا انتظار دیگری از دشمنان می‌توان داشـــت؟ اما ناراحتی ما این است که بعضی‌ها در داخل تمام این پلشتی‌ها را توجیه می‌کنند و نمی‌خواهند بپذیرند که دشمن دشمن است.

۰۹۱۲---۴۲۹۷

* آمریکای جنایتکار هر کجا پا گذاشـــته خشونت بوجود آورده و حاصل آن کشتار مسلمانان بوده است. به همین دلیل نباید گذاشت پای آمریکایی‌ها از هیچ طریق اقتصادی، فرهنگی و... به داخل کشور برسد. چون در آن صورت باید منتظر ناامنی بود.

۰۹۳۵---۵۹۶۹

* اصلاً عجیب نبود که سخنرانی یکی از مدعیان اصلاحات که در دانشگاه برگزار گردید با صندلی‌های خالی مواجه شـــود. چرا که این‌گونه افراد تا توانسته‌اند در نظام بندبازی کرده و نان را به نرخ روز خورده‌اند، قشر دانشجو فریب این پلشتی‌ها در عالم سیاست را نمی‌خورد.

۰۹۱۸---۳۳۲۴

* دولت اگر گوش شنوایی داشته باشد باید در این یک سال و اندی که از عمرش باقی مانده بیشتر به کار بپردازد و از حاشیه‌سازی و سخنرانی‌های جنجال‌برانگیز دست بکشد. شاید بعضی از وعده‌های داده شده به مردم عملی شود.

۰۹۱۳---۵۸۵۵

* سعودی‌های خبیث قیمت نفت را به این شرط کاهش دادند که آمریکا حدود ۴۰ درصد خسارتشـــان را از طریق تسلیحات و حمایت‌های بلاعوض جبران کند ولی متأسفانه برخی مسئولین، تصور می‌کنند که آل‌سعود متضرر شده است؟! مسئولین نفتی باید دقت کنند که مضحکه دشمنان این ملت نشوند.

۰۹۱۳---۹۰۰۴

* گروهک تروریســـتی داعـــش در حقیقت ارتش نیابتی آمریکاســـت که با بکارگیری دلارهای عربی و ســـربازان اجیر شـــده، اداره می‌شـــود. آمریکا به وســـیله این گروهک‌های خود ساخته به کشورهایی که تسلیم سیاست‌های غلطش نمی‌شـــوند بدون شماتت و شکایت کشورها و سازمان‌های بین‌المللی حمله می‌کند.

خراسانی

* همانگونه که در صدر اســـلام دشـــمنان صلح و ولایتعهـــدی را به امامان معصوم(ع) تحمیـــل کردند و با مدیریت ائمه این تهدیدات تبدیل به فرصت شد امیدواریم برجام تحمیل شده به نظام در سایه عمل به شروط تعیین شده رهبری و اطاعت مســـئولان از آن به یک فرصت ارزشمند برای کشور و یک ناکامی برای آمریکای حیله‌گر تبدیل شود.

۰۹۱۲---۳۱۱۴

* چه کوزه را به سنگ بزنی و چه سنگ را به کوزه، در هر دو صورت شکست با کوزه است. این بهترین ضرب‌المثل است برای کسانی که به آمریکا دل خوش کرده‌اند و بر شیپور رابطه با آمریکا دمیده‌اند.

علی فرخزاد لاهیجی از لاهیجان

* دولت ترکیه به جای تجاوز به خاک عراق به بهانه مبارزه با داعش اگر مرزهای کشورش را روی این تروریست‌ها ببندد جهان اسلام از شرارت‌های وحشیانه این گروه نجات پیدا می‌کند و منطقه امن می‌شود.

۰۹۱۸---۸۶۳۱

* مسئولان کشور در نزد ملت تا زمانی احترام و مشروعیت دارند که در خط اسلام و محرومان هستند. وقتی از این خط خارج بشوند خیلی راحت احترام خودشـــان را از دســـت می‌دهند. چنان که در گذشته بعضی‌ها به هشدارها و دلسوزی‌ها توجه نکردند و مردم آنها را کنار زدند.

۰۹۳۸---۵۶۰۶

* در مقاله استارت آپ‌ها چاپ شده در کیهان یکشنبه پانزدهم آذرماه آمده که بعضی از صنایع غذایی کشور در اختیار خاندان سعودی است. تقاضا داریم برای آگاهی عموم مردم نام این شـــرکت‌ها را در روزنامه درج کنید تا از آنها خرید نداشته باشیم.

۰۹۱۲---۶۹۳۴

* در حال حاضر در کشور اسلامی ما به سختی می‌توان مانتوی اسلامی و یا مقنعه بلند پیدا کرد. قیمت چادر نیز بسیار گران است. وقتی مسئولان شرایط و مقدمات رعایت حجاب اسلامی در کشور رافراهم نکرده‌اند رعایت این فریضه از عموم مردم با مشـــکل رو به رو می‌شود. اگر راست می‌گویند در طول سال چند نمایشگاه واقعی برپا کنند و پوشاک درخور شأن زنان مسلمان ایرانی با قیمت مناسب در اختیار بگذارند.

۰۹۱۲---۰۱۴۵

* دانشجویان کارشناسی ارشد مجازی دانشگاه تهران بعد از ۲ سال تحصیل و تحمل هزینه گزاف میلیونی و با انحلال رشته تحصیلی خود توسط وزارت علوم مبهوت و مغبون شـــدند. چه کسی باید جوابگوی هزینه‌ها و هدر رفتن وقت ۴۰۰ دانشـــجو که همگی از قشر زیر خط فقرند و اخراج شده‌اند باشد؟! این است دولت تدبیر و امید؟!

زعفری

تسلیت به همکار

با نهایت تاســـف مطلع شدیم همکارمان آقای محمدعلی طاقداریان در غم از دســـت دادن یکی از نزدیکان خود سوگوار است. ضمن تسلیت به ایشـــان برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو داریم.